

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۰ جنوری ۲۰۲۲

مرزهای آزادی بیان و دموکراسی در حاکمیت های پوشالی!

چهارشنبه- ۲۹ جدی ۱۴۰۰ - کابل: یکی از خبرهایی که برای مدتی محدود در روز گذشته در سرخط اکثر رسانه ها اخبار قرار داشت و خیلی زود برداشته شد، دستگیر شدن فردی به نام "عظیم عظیمی" به اتهام ترتیب مظاهره علیه سیاست ها و مقامات پاکستانی حین ورود مشاور امنیت ملی پاکستان به میدان هوایی کابل بود. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه بر مبنای برخی از اسناد و مشاهدات شخصی خودم خواهیم داشت:

۱- با حرکت از این واقعیت که در جوامع طبقاتی همه چیز من جمله مفاهیم در کل و به خصوص مفاهیمی چون آزادی بیان و دموکراسی و بقیه آزادیهای دموکراتیک نیز مهر طبقاتی را بر پیشانی خود حمل می نمایند، می توان گفت که برداشت و حدود و ثغور کاربرد این مفاهیم نسبی بوده از یک جامعه و یک زمان تا زمان و جامعه دیگر تفاوت می نماید.

یعنی در هر کشور و جامعه ای با در نظر داشت سلسله مراتب قدرت و نزدیکی به آن و همچنین میزان نزدیکی به این و یا آن کشور محدوده ها و سقف های آزادی بیان و دموکراسی نسبت به کشور و جامعه دیگر که در ساختار خود با جامعه اولی تفاوت دارد، متفاوت می باشد.

۲- تا جایی که از اسناد رسمی باقیمانده از دوران دموکراسی تاجدار و به تعقیب آن جمهوریت خاندانی بر می آید، بر مبنای قانون اساسی زمان "ظاهرشاه" علی رغم تمام اختیاراتی که شاه داشت و می توانست راسته را چپه و چپه را راسته کند و بر مبنای همان قانون زنده را بمیراند و مرده را عفو و زنده گذارد، باز هم شخصیتش از "تعرض مصون" بود و هیچ کسی حق نداشت، مستقیماً شخص شاه را زیر عنوان آزادی بیان و یا دموکراسی انتقاد نماید.

این روند در جمهوری خاندانی مقداری فضاء را تنگتر ساخته ضمن آن که نگفته و نانوخته انتقاد از شخص رئیس جمهور زیر عنوان "مصونیت از تعرض" مجاز نبود، نوکران روس سازنده قوانین جمهوریت خاندانی برای جلوگیری از افشاگری های رقبای سیاسی شان به خصوص طیف وسیع جنبش دموکراتیک نوین علیه سوسیال امپریالیسم شوروی و اقمارش، ماده ای را نیز افزوده بودند که تعرض بر رهبران "کشورهای متحابه" نیز جرم و قابل پیگرد قضائی بود. بهانه ای که یکی از قربانیان آن استاد "موسوی" همین اکنون حیات دارند و اگر خواسته باشند می توانند به تفصیل بنگارند.

۳- با روی کار آوردن نوکران روس در افغانستان و سوسیالیست نمائی های اقتضاح آمیز رهبران حزبی و دولتی آن زمان، به مثابه تجربه شخصی می توانیم به ده ها هزار شاگرد مکاتب اعم از دختر و پسرگواهی دهیم که در صنوف درسی، تعدادی از معلمان یا به اساس اعتقادات خودشان و یا هم به منظور کمونیست نمائی و نزدیکی با حاکمیت دست نشانده، در یک کشوری که اکثریت نفوس آن را مسلمانان می ساخت به خود حق می دادند که نه پروای چهارپار را نمایند و نه هم پروای پنج تن را. به گفته مردم نه سر عشره مبشره خبر بودند و نه هم سر چهارده معصوم؛ مگر در عین حال که با چنان لجام گسیختگی زیرپوشش آزادی بیان عقاید دیگران به ریشخند می گرفتند حق نداشتند بگویند که بالای چشم بریژنیف ابروست و یا چرا ببرک کارمل حین صحبت دهنش را کج می نماید و یا امین و ترکی وقتی از "احترام به اسلام" یا می کردند با نیشخند آن را بیان می داشتند.

۴- هرچند حاکمیت دوران اول مجاهد و طالب، بیشتر به جنگ گذشت و نه مردم فرصت و توان آن را داشت تا از آزادی بیان و آزادی های دموکراتیک حرفی به میان آورند و نه حاکمیت اسلام سیاسی توان تعمیم اراده اش را داشت، با آنهم در همان حدی که برای حاکمیت مقدور بود، یک زمانی استفاده از کلمه "بز" را در ادبیات ممنوع نموده بودند و زمانی دیگر "بادپکه" - به خاطر ریش برهان الدین ربانی که حین صحبت و شوردادن سر اطرافش را سرد می ساخت - و همچنان یاد کردن از نقایص فزیک می مانند "کور و لنگ و شل و شت" که اکثر قومندانها و رهبران طالب از آن بابت رنج می بردند.

۵ - حاکمیت پوشالی ۲۰ سال اخیر که بخشی از خاطرات زنده همه ما است. در تمام این دوران به خصوص در دوران کرزی افراد حق داشت تمام زعمای افغانستان را توهین و اهانت نماید حتا گاهی حین استفاده از کلمه "بز" بدون مجازات باقی بماند مگر هیچ کسی حق نداشت بنویسد که در هتل سرینا چه می گذرد؟ نقش "سیا" در تعیینات ملکی و نظامی چیست؟ سربازان امریکائی چه جنایاتی را در کشور مرتکب شده و یا می شوند؟ چرا وقتی آنها در کشور ما مرتکب جنایاتی می کردند، در اینجا مورد بازخواست و محکمه قرار نمی گیرند؟ اصولاً "کاپیتولاسیون" به چه معناست و آیا موافقتنامه های متعدد و بردربر حاکمیت دست نشانده با نیروهای اشغالگر همین "کاپیتولاسیون" است و یا خیر؟ و ... در کل مرز های آزادی بیان در فحاشی نسبت به مردم افغانستان ناپیدا و نامحدود، مگر در رویارویی با نیروهای اشغالگر تنگتر از سوراخ سوزن بود.

۶- از زمانی که طالب و نظام ملا سالار آمده است، مسلم است که آنها هم برداشت های خاص خودشان را از مفاهیم در کل به خصوص آزادی بیان و دموکراسی و آزادیهای دموکراتیک دارند، از دید آنها شما حق دارید بدون مرز رقبای شان را فحش و دشنام دهید، به دفاع از عقب مانده ترین عقاید، ده ها حدیث جعلی را نشخوار نمائید، هر چرندی که ممد زن ستیزی و محدود ساختن آزادیهای دموکراتیک افراد در جامعه باشد، بگوئید، مگر حق ندارید علیه دولت پاکستان و مداخلتش، علیه راکتزی و کشتار بیدریغ باشندگان میهن ما، علیه سیاست و اعمال ضد انسانی اش مقابل مردم افغانستان در پاکستان و یا افغانستان لب تر نمائید.

هموطنان گرامی!

تمام آنچه را به صورت مختصر بیان داشتم، در کل بیانگر یک واقعیت است که آزادی بیان و مجموع آزادی های دموکراتیک در کشور های وابسته و منقاد بیگانگان، گذشته از آن که حق ندارد مرز های حاکمیت ها را در داخل کشور خودش عبور نماید، به هیچ صورت حق ندارند "کشور های متحابه" را که تعریف بسیار رذیلانه از "باداران" است، مورد حمله قرار دهد. از همین رو تظاهرات علیه پاکستان ممنوع و مظاهره چیان قبل از انجام مظاهره به بند افکنده می شوند. تا همه بفهمند که حق ندارند، طرف پاکستان چپ نگاه نمایند.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!